

بسم الله الرحمن الرحيم

نویسنده : محمد جواد امری

1- عنوان طرح: فیصله

2- ایده خود را حد اکثر در سه خط بنویسید: سپهر هکر نوجوانی است که برحسب تصادف به اطلاعات سپیده دست پیدا می‌کند دختری که مظنون به همکاری با موساد است . یاشار که مامور ارشد بخش سایبر اطلاعات ایران است وقتی متوجه می‌شود ، سپهر به سپیده علاقمه مند شده و حاضر به همکاری نیست ، اطلاعاتی که در اختیار سپهر است را با نقشه فریبکارانه ای به دست می‌آورد و مانع انفجار مرکز هسته‌ای می‌شود اما در ادامه می‌فهمد که سپهر تظاهر می‌کرده و از این فریب آگاه بوده و با دادن اطلاعات؛ هم مانع انفجار شده و هم از فرصت استفاده کرده و زمان خریده تا بتواند دختر مورد علاقه‌اش را از کشور فراری دهد .

3- مکان (یا مکانهای اصلی داستان) اتاق خصوصی سپهر در خانه که محل برنامه نویسی و هک های اوست . طبقه هفتم اداره ی اطلاعات بخش سایبر و امنیت که محل کار یاشار است

4- خط زمانی داستان؟ رخداد کلی داستان در یک هفته رخ می‌دهد از زمانی که یاشار متوجه می‌شود سپهر زودتر به اطلاعات سپیده دست پیدا کرده تا پایان داستان که سپهر ، سپیده را فراری می‌دهد . فلش بک برای زمانی است که سپهر به مدت یک ماه به اطلاعات سپیده اشراف داشته و با دیدن تصاویر و فیلم‌های سپیده آهسته آهسته دل‌باخته او می‌شود

5- شخصیت اصلی (یا شخصیت‌های) داستان چه کسانی هستند؟

شخصیت اصلی داستان : سپهر

شخصیت‌های دیگر : یاشار، همکلاسی سپهر ، مادر سپهر و سپیده .

6- او یا آنها را توصیف کنید؟

سپهر : پسری ۱۶ ساله ، با کمی اضافه وزن ، چهره ای معصومانه اما تودار ، اخلاقی غیر اجتماعی دارد که کمتر به معاشرت با دیگران علاقه مند است و تنها یک دوست صمیمی در مدرسه دارد و بیشتر اوقات خود را در اتاقش سپری میکند و تنهایی خود را بواسطه مرگ پدرش ، با برنامه نویسی و سرمایه گذاری روی ارز دیجیتال پر میکند

یاشار : مرد ۳۷ ساله ایست که مامور ارشد بخش سایبر و امنیت سازمان اطلاعات ایران است ، او اخلاقی گاهها تند همراه با جدیت دارد .

سپیده : دانشجوی ۲۶ ساله است که سالهاست به دنبال دریافت اقامت دائم کاناداست

7- خواسته او یا آنها چیست؟

خواسته سپهر : میخواهد بین عشق و امنیت کشور را جمع کند برای همین تلاش میکند نقشه ای بکشد که سپیده را فراری داده و همزمان مانع انفجار مقر هسته ای بشود

خواسته یاشار : او ماه هاست که دنبال کشف حلقه مرتبطین موساد در ایران است و تلاش میکند به هر نحوی شده سپیده را دستگیر کرده و عملیات خرابکاری در برنامه هسته را خنثی کند

سپیده : او در ازای دریافت اقامت دائم کانادا مرتکب جرم علیه امنیت ملی شده اما نمیدانسته که دارد برای موساد کار میکند و زمانی پشیمان شده که کار از کار گذشته و حالا حداقل میخواهد به سلامت از کشور خارج شود .

8- نقشه ها، راهبردها و هدف او یا آنها را شرح دهید.

نقشه شخصیت اصلی داستان یعنی سپهر : (نقشه سپهر از نوع پیچیده است) او تلاش می کند از زمان و مکان انفجار مرکز هسته ای ، کسب اطلاع کند سپس طوری تظاهر می کند که انگار فریب نقشه یاشار را خورده و اطلاعاتش توسط او سرقت میشود ، وقتی یاشار بوسیله اطلاعات جمع آوری شده سپهر ، انفجار را در مرکز هسته ای خنثی می کند ناگهان متوجه می شود سپهر از ابتدا این نقشه فریب را می دانسته و اطلاعات جعلی از مکان سپیده را ، در کنار اطلاعات صحیحی از زمان و مکان انفجار گذاشته تا یاشار رودست بخورد و سپهر زمان بخرد تا با این نقشه به خواسته خود که همان فراری دادن سپیده است برسد . یعنی وقتی یاشار مشغول عملیات انفجار است ، زمان مناسب برای فرار سپیده فرا میرسد .

9- او یا آنها برای رسیدن به این هدف، با کدام موانع (درونی و بیرونی) ، مواجهه می شوند. دو مانع در برابر سپهر است ، یکی شکست دادن عملیات خرابکاری موساد و دومی فراری دادن سپیده از دست یاشار . اون میداند یاشار بر دستگیری سپیده پافشاری میکند و از طرفی موساد هم مصر است که ایران را ناامن کند

10- ضد قهرمان ، مانع یا موانع را توصیف کنید.

در این داستان اغلب شخصیت ها خاکستری هستند و همچنین ضد شعاری . آنها اشتباه می کنند و درس می گیرند اما شاید بتوان سیاه ترین شخصیت داستان را که از آن به ضد قهرمان نام می بریم ، عوامل اصلی موساد در ایران دانست که درصدد نابودی مرکز هسته ای ایران هستند که در انتها با تلاش های سپهر و یاشار این طرح خنثی می شود

11- خلاصه داستان خود را ریخت شناسی کنید.

دست یافتن سپهر به اطلاعات سپیده در هکی تصادفی

کشف پاسپورت جعلی سپیده و عملیات خرابکاری توسط سپهر به وسیله آنالیز اطلاعات هک شده

فرستادن اطلاعات کلی این عملیات به سازمان اطلاعات ایران ، توسط سپهر

علاقه مند شدن سپهر به سپیده با دیدن تصاویر و فیلم های شخصی او

یافتن محل زندگی سپهر توسط یاشار و تحت فشار قرار دادن سپهر توسط او برای همکاری و تبادل اطلاعات

فریب خوردن سپهر توسط یاشار برای بدست آوردن اطلاعات انفجار و محل اختفای سپیده

خنثی شدن عملیات خرابکاری

تظاهر کردن سپهر به فریب خوردن و استفاده از این زمان برای فراری دادن سپیده با پاسپورت جعلی

12- داستان را با کلماتی که بیانگر حال و هوای کلی داستان (دلهره آور، توطئه برانگیز، غم افزا، ترسناک، خنده دار، شاد و ...) است ، شروع کنید. پاراگرافی را تدوین کنید که حامل آن حال و هوا باشد.

سپهر به تنهایی زندگیش را با تولید بدافزار و راه‌های مقابله با آن پر می‌کند او به خوبی می‌داند چگونه هک کند و هک نشود او با توسعه نرم‌افزارهای امنیتی برای شرکت‌های مختلف و گرفتن دستمزد در بستر کریپتو و بیت کوین کسب درآمد می‌کند اما در یکی از همین روزها ، رخدادی اتفاقی ، زندگی او را وارد چالشی بزرگ می‌کند چالشی بزرگتر از تنهایی‌های روزانه اش .

او به اطلاعات خصوصی سپیده دسترسی پیدا می‌کند و متوجه می‌شود که او دو پاسپورت با دو اسم مختلف دارد همین مشکوک بودن کافی بود تا وقت روزانه سپهر با خواندن پیام‌های خصوصی سپیده و دیدن تصاویر شخصی او سپری شود او با رمزگشایی از سیستم سپیده ، متوجه طرح خرابکاری در مرکز هسته ای می‌شود و آن را به صورت مخفیانه به سازمان اطلاعات ارسال می‌کند اما یاشار رد سپهر را می‌زند و او را پیدا می‌کند و حالا سپهر که میداند همکاری بیشتر با یاشار باعث ایجاد دردسر برای سپیده می‌شود تلاش می‌کند که با یاشار قطع همکاری کند.

13- سپس حادثه محرک را نقل کنید. (حداقل مقدمه آن را بیان کنید)

سپهر اول از همه برای امنیت کشور داده هایی که جمع کرده بود را برای سازمان اطلاعات ارسال میکند اما هیچگاه گمان نمی‌کرد وقتی که دل‌باخته سپیده شده ، یاشار و همکارانش ادرس او را پیدا کنند و برای تبادل اطلاعات و فروختن سپیده او را تحت فشار بگذارند پس او انگیزه پیدا میکند که این مشکل را به هر نحوی شده حل و فصل کند

14- در نتیجه بگویید بعد چه اتفاقی می افتد.

او نقشه ای میکشد و تظاهر میکند فریب یاشار را خورده و زمانی که یاشار با اطلاعاتی که از سپهر بدست آورده مشغول دفع عملیات خرابکاری هست ، سپیده را از کشور فراری میدهد . او در طول این مدت تلاش میکند تا یاشار متوجه وجود پاسپورت جعلی سپیده نشود تا یاشار نتواند مانع خروج سپیده از کشور بشود .

15- کنش ضد قهرمان چیست؟

همانطور که گفته شد تنها ضد قهرمان داستان ، حلقه خرابکاران موساد است که مصمم به اجرای طرح انفجار هستند که مانعی در مقابل سپهر بوجود می‌آورند ؛ البته یاشار هم که بر دستگیری سپیده پافشاری میکند یکی از اصلی ترین موانع مقابل سپهر را تشکیل میدهد .

16- بحرانی ترین نقطه داستان را توضیح دهید.

هر لحظه به زمان انفجار نزدیک تر میشویم و یاشار مدام به سپهر فشار می آورد که اعتراف کند میکرو رم حاوی اطلاعات عملیات خرابکاری و محل اختفای سپیده کجاست و سپهر در سختترین شرایط به سر میبرد و میخواهد در بهترین فرصت که سپیده از تیرس یاشار خارج میشود این اطلاعات را در اختیار یاشار قرار دهد .

17- در نهایت نقل کنید در اوج داستان چه اتفاقی می‌افتد؛ سعی کنید از عباراتی استفاده کنید که حامل هیجان نقطه اوج باشد..

یاشار با اطلاعاتی که از سپهر به دست آورده تنها چند دقیقه قبل از انفجار ، خود را به مرکز هسته ای میرساند ، هدف ، انفجار دو سکوی انتقال انرژی به سانتریفیوژ هاست که در نهایت باعث نابودی زنجیره ایه کل تاسیسات و حذف ۱۵ هزار دستگاه سانتریفیوژ میشود ، او میخواهد با قطع ارتباط سکوی انتقال برق با سانتریفیوژ ها ، مانع انفجار زنجیره ای آنها شود .

18- در پایان داستان، با گره گشایی، نتیجه داستان را بیان کنید.

در نهایت او (یاشار) موفق میشود با هماهنگی که انجام میدهد قبل از انفجار مرکز انتقال برق ، ارتباط سانتریفیوژ ها با سکوی برق را قطع کند و مانع انفجار سانتریفیوژ ها میشود و سرمست از پیروزی که به دست آورده ، خبردار میشود مابقی اطلاعات سپهر که حاوی اطلاعاتی از سپیده است ، جعلی است و انجاست که میفهمد سپهر ، تنها تظاهر میکرده که فریب خورده و در این مدت سپیده موفق به خروج از کشور میشود و سپهر هم به هدفش میرسد .

19- یکبار دیگر داستان خود را بخوانید و ببینید چه پایان دیگری را می‌توانید فرض کنید؟

پایان داستان می‌تواند به شکلی دیگر رقم بخورد آنجا که سپهر احساس کند عشق آنقدر هم ارزشمند نیست که به خاطرش ، عدالت زیر پا گذاشته شود همه چیز به باورهای این نوجوان بستگی دارد تنها اوست که می‌تواند داستان را تغییر دهد و می‌تواند نه تنها در خنثی کردن نقشه انفجار به یاشار کمک کند بلکه محلی را که سپیده در آن مخفی شده را لو دهد و مانع فرار سپیده شود .

البته دستگیری سپیده تلخ‌ترین و غمناک‌ترین ثانیه‌های عمر سپهر خواهد شد او بین عشق و عدالت ، عدالت را انتخاب می‌کند و سپیده را به دست قانون می‌سپارد اما شاید تا آخر عمر حسرت آن را بخورد که چرا عشق را هرچند کودکانه انتخاب نکرده است .

20- بر اساس اطلاعات این فرم ، داستان خود را در ادامه پاراگراف نویسی کنید.

سپهر نوجوان ۱۶ ساله‌ای می‌باشد که چند سال است اوقات تنهایی خود را صرف تولید نرم‌افزارهای دفاع سایبری و برنامه نویسی می‌کند او نسبت به قبل از دورانی که پدرش بابت دیابت فوت کرد ، احساس تنهایی بیشتری می‌کند او در یکی از همین روزها وقتی سیستم کامپیوتر ، شخصی را هک میکند توجه اش به تصاویر دو پاسپورتهای جلب میشود که مربوط به یک نفر است ، صاحب دو پاسپورت دختری به نام سپیده است . حالا سپهر چند هفته‌ای می‌شود که روی سیستم سپیده سوار است و در این مدت به اطلاعات زیادی دست پیدا می‌کند او متوجه می‌شود که سپیده ، عضو حلقه خرابکاری است که توسط موساد مدیریت می‌شود او با بررسی چت‌های خصوصی سپیده متوجه می‌شوند او آنطور که باید از کل عملیات باخبر نبوده و صرفاً به خاطر کسب اقامت دائم کانادا با این حلقه همکاری میکند .

سپیده تلاش می‌کند در ازای حمل و نقل بسته‌هایی بین استاد خود در دانشگاه و افرادی خارج از دانشگاه و همچنین همکاری جزئی در کشف جزئیات برنامه هسته‌ای ایران، اقامت دائم خود و خانواده‌اش را در کانادا به دست آورد، اما او هیچگاه از کلیت طرح انفجار در مقر هسته‌ای ایران باخبر نبوده و نمیدانسته کارهایش منجر به چه فاجعه‌ای میشود و سپهر این را خوب فهمیده است، وقتی سپهر توانست به موبایل و سیستم شخصی سپیده دسترسی پیدا کند اتفاق دیگری رخ می‌دهد او بعد از مدتی دلباخته سپیده میشود او بارها و بارها عکس‌ها و فیلم‌های شخصی سپیده را می‌بیند و از طرفی میداند عملیات خرابکارانه‌ای در آینده رخ خواهد داد.

سپهر اطلاعات کلی خود را که از این عملیات خرابکاری بدست آورده به سازمان اطلاعات ایران ارسال می‌کند و یاشار که خود مامور ارشد بخش سایبر اطلاعات است و مسئولیت این پرونده را به دست دارد، زمانی که اطلاعات ارسالی سپهر را می‌بیند با تلاش‌های فراوان رد سپهر را می‌زند و به سراغ او می‌رود.

سپهر ۱۶ ساله متحیر از لو رفتن خود، تلاش می‌کند سپیده را از این واقعه دور نگاه دارد اما یاشار مصمم است که ردی از سپیده، که حلقه مفقوده این عملیات است پیدا کند یاشار هرچه تلاش می‌کند نمی‌تواند سپهر را راضی به همکاری کند سپهر مصمم است که مکان سپیده را لو ندهد از طرفی نمی‌تواند چشمش را نسبت به رخداد خرابکاری در برنامه هسته‌ای ایران ببندد.

وقتی سپهر لجاجت‌های یاشار برای دستگیری سپیده را می‌بیند تصمیم می‌گیرد خود نقشه‌ای بکشد تا هم مانع انفجار مرکز هسته‌ای بشود و هم عشق خود را نجات بدهد.

یاشار معتقد است علاقه سپهر به سپیده از سر ناپختگی و منشاء دفاعش از او حماقت‌ها و جوگیری‌های دوران بلوغ است اما سپهر اینگونه فکر نمی‌کند دست کم تا آن زمان نه.

یاشار تصمیم می‌گیرد تغییر رویه دهد و تلاش می‌کند با نقشه فریبی، اطلاعات جمع‌آوری شده سپهر از مکان و زمان حمله و همچنین محل اختفای سپیده را به دست آورد، یاشار می‌داند این گونه برخورد با یک نوجوان به هیچ عنوان انسانی نیست اما نمی‌تواند اجازه دهد یک عشق احمقانه از نگاه او، باعث شکست در این پرونده بشود.

یاشار که گمان میکند توانسته با فریب دادن سپهر؛ اطلاعات او را بدست آورد در آخرین لحظات؛ طرح انفجار مقر هسته‌ای را خنثی میکند اما زمانی که به محل اختفای سپیده میرود (مخاطب فیلم همزمان با) یاشار متوجه میشود که سپهر از نقشه فریب یاشار برای سرقت اطلاعاتش باخبر بوده و اطلاعاتی را در دسترس یاشار قرار داده که تنها مربوط به عملیات خرابکاری در برنامه هسته‌ای است و اطلاعات محل اختفای سپیده جعلی است.

سپهر با این کار زمان می‌خرد تا اعتماد سپیده را جلب کند و او را راضی کند که با پاسپورت جعلی که اولین بار در سیستم لب تاب او دیده؛ از کشور فرار کند.

در واقع یاشار میفهمد؛ اوست که از سپهر رودست خورده نه بالعکس .

سپهر بعد از موفقیت نقشه اش ؛ طعنه های گذشته یاشار را با خود مرور میکند ؛ آیا این عشق واقعی نبود؟ آیا عشقی
احمقانه و برگرفته از دوران بلوغ است؟ آیا سپیده ارزش فداکاری دارد؟ آیا در آینده به حماقت الان خود خواهد خندید
؟

او همه ی این جملات را مرور میکند و با لبخندی از پس یک رضایت آرام کننده؛ به پیش روی خود خیره میشود .